

دکتر مصطفی محمود  
سید هادی خسرو شاهی

# چه باید کرد

(کدامیک ۱۰)

## یادآوری مجدد

آنچه که می خوانید آخرین فصل کتاب «الماکسیه و الاسلام» تألیف دکتر مصطفی محمود، مازکسیست و چپ گرای معروف جهان عرب است که مدتها است بسوی اسلام بازگشته است. علاوه بر مطالب کتاب فوق، از کتابهای دیگر و نیز چند بحث ترجمه کرده و در مکتب اسلام منتشر ساختیم ولی مجدداً یادآور می شویم که آنچه ما نشر کردیم ترجمه خالص نبود، بلکه ترجمه توأم با تفصیل و درپاره ای از موارد همراه با تغییر و تکمیل بود ... در همین فصل آخر، او شواهدی از نظریات خلفا آورده بود که ما شواهدی از نظریات امام علی (ع) آورده ایم.... در کل مطالب از دکتر مصطفی محمود است و نگارش و بسط و اضافات آن از ما است. خسرو شاهی

## چه باید کرد؟

شهر «فاس» - مراکش- شهر تاریخی با مساجد قدیمی و ساختمانهایی که جنبه آثار باستانی به خود گرفته است، جلوه خاصی دارد. اغلب ساختمانها بظاهر خراب و کهنه است، ولی داخل آنها، تجلیگاه هنر معماری و زیبایی و نظافت است و مردم می گویند که ظاهر این ساختمانها، درویشانه است، ولی درون آنها، همچون قلب مردمشان، سفید و پاک است. مردم فاس، انسانهای پاک دل و با ایمان و اهل نماز و روزه بوده و بیشترشان بدنبال معرفت حق هستند و هیچگونه ادعای علم و فضل و کمال ندارند و بدنبال شهرت و سود مادی هم نمی روند و هرگونه نیایش و عبادتی را هم بدور از هرگونه تظاهری انجام می دهند. اگر شما درباره معرفت حق از یکی سئوالی بکنید، شما را از روی فروتنی به عالم برتری ارجاع می دهند و او هم شما را به عابد پرهیزگارتری و ... و اگر در مرحله آخر، به یک شخصیت برتر برسید، او هم در نهایت تواضع می گوید که این نوعی حسن ظن دیگران است و استغفارکنان خود را لایق این مقام نمی داند.

در دانشگاه ترویین هم که پیش از هزار سال تاریخ دارد (۱) اگر با علماء بزرگوار ملاقات کنید، در همه آنها نوعی تواضع و پرهیز از تظاهر به علم و تقوی دیده می شود.

بدون تردید، این معنویت و این تجلی روح واقعی انسانی در این شهر تاریخی، ارزش والائی دارد، ولی نکته ای که قابل توجه است این است که: فاس تاریخی و قدیمی، هم اکنون دارای برق است و بدنبال برق، رادیو، تلویزیون، و وسائل های سینما همه جا راه پیدا کرده اند و پوسته های هنر پیشگان خارجی و عکسهای جیمز بانده و دیگران را، در همین شهر علم و معنویت، بدرود دیوار می بینید.

در کنار شهر قدیمی فاس، شهر جدیدی هم بسبب معماری غربی، با همه آثارش حتی بارودالسینک و کاباره - پوشم می خورد. نسل جوان هم فقط نماز جمعه را می خوانند ولی باعشق فراوان درباره «داروینسم» بحث می کنند و اندیشه غربی، جای اندیشه و عرفان شرقی را می گیرد ...

من مدتها در این شهر بسر بردم، و با خود می گفتم: چرا وقتی علم از دری وارد می شود، ایمان از در دیگر بیرون می رود؟ آیا این شهر تاریخی هم بزودی مانند لندن و پاریس دچار فقر و بحران معنوی نخواهد شد و نویسندگانش درباره بوجی، بهودگی کتاب نخواهند نوشت و - طبعاً - جوانانش هم بجای آرامش روحی، به خودکشی و - بیمارستانهای روانی پناه نخواهند برد؟!

بنظر من این فاجعه در انتظار فاس است. همچنانکه هر کشور و شهر اسلامی دیگری،

(۱) : دانشگاه ترویین یادگار شیعیان است (از هزار سال پیش)

در معرض چنین خطری قرارداد.

من وقتی در این باره فکرمی کردم، با خود می‌گفتم: چه باید کرد؟

چه کاری باید انجام دهیم که در قبال این تحول سریع و صنعت و تکنیک پیشرو، جسم خود را ندا نکنیم و روح و شخصیت و استقلال و «خویشمن خویش» را تهاه نسازیم؟

بدون شك آنچه که در کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، يك پیروزی خطرناك روش زندگی غربی در درون خانه و کاشانه ما، بلکه دوتار و بود عقل و قلب ماست که همراه با استعمار همه جانبه خواهد بود.

ما هرگز نمی‌گوئیم که باید درهای دنیا را به روی خود ببندیم و برق و رادیو و تلویزیون و دیگر فرآورده‌های علم و صنعت را به خاطر عوارض زشتی که دارند، طرد کنیم و به زندگی عهد حجر برگردیم!

این چنین سخنی را فقط يك آدم نادان می‌تواند بزند. البته ما می‌دانیم که کفر و فساد از زمانهای بسیار قدیم - و پیش از پیدایش برق و تلویزیون - وجود داشته‌اند، ولی می‌بینیم که قرآن دستور سیر و گردش در دنیا را می‌دهد و نمی‌گوید که چون در فلان نقطه فساد وجود دارد، پس هیچ‌کس به دنیا نرود! اسلام دستور دوری از فساد را می‌دهد و در همان حال، اجازه سیروسیاحت را نیز صادر می‌کند.

قرآن به ما دستور اندیشه و تأمل و کشف رازهای زندگی و تکامل را می‌دهد. و اگر دانشمندان غربی، در عمل به آیه قرآنی بر ما پیشی بسته‌اند، این گناه آنها نیست، بلکه گناه ما است که مانند کبک سرهای خود را در برف فرو برده‌ایم و خود را از حقایق بدور نگه میداریم!

پرتال جامع علوم انسانی  
\* \* \*

از این گذشته، ما به علت اینکه غرب و شرق، باتوپ و تانک و موشک، و سربازان خود در فکراشغال مجدد آفریقا هستند و در نیجریه، کنگو، حبشه، سومالی، اریتره و... شکل هدفهای استعماری خود را نشان داده‌اند، باید برای مبارزه با این هجوم ضد بشری خود را مجهز کنیم، چرا که با خواندن دعا و اوراد، نمی‌توان موشک را از کار انداخت.

دستور قرآن در این باره صریح است: «**واعوذوا لله ما استطعتم من قوة**» - تا آنجا که می‌توانید، در برابر دشمنان نیرو و سلاح آماده‌سازید - و البته، بارها آزمایش کرده‌ایم که اعتماد به دریافت اسلحه از شرق یا غرب، ما را دچار گرفتاری‌های دیگری کرده و در بحران جنگ، ما را با کمبود یدکی و وسائل مورد لزوم روبرو ساخته است و به این ترتیب باید «وابستگی» را بطور مطلق رها کنیم، و خود را برای هر گونه دفاع مستقل، آماده‌سازیم.

پس در اخذ علم و تکنیک و صنعت، شك و تردیدی نباید داشته باشیم، ولی مشکل در اینجا خواهد بود که «علوم» را چگونه فراگیریم که با «دین» تضادی نداشته باشد؟ علم به ظاهر در روش خود فقط به قوانین طبیعی و مسائلی که از آزمایش و تجربه مادی گذشته باشد، تکیه دارد و بهمین دلیل، از امور غیر محسوس و غیب، دوری می جوید و از این جا است که «تضاد» باین شکل می گیرد... ما اگر این مسئله را برای دانشجویان و حتی دانش آموزان، روشن نسازیم خواهی نخواهی، خود آنها در ضمن مطالعه کتب علمی طبیعی، شیمی و فیزیک، باین مشکل روبرو خواهند شد. و نزاع درونی درباره افکار موروثی مذهبی با آموخته های علمی، پیش خواهد آمد و با مرور زمان، کفه علم، بویژه در دانشگاه، بر معتقدات موروثی که همگام با استدلال و منطق نبوده است، سنگینی خواهد کرد.

اصولاً، بزرگترین اشتباهی را که مرتکب شده ایم اینست که علم را در دانشگاهها به دو نوع تقسیم کرده ایم: تعلیمات دینی، تعلیمات علمی. این دوگانگی که بین دانشگاهها جدائی افکنده است، يك اشتباه نابخشودنی است، چرا که عامل اصلی جدائی دانشجو از افکار مذهبی خویشتن است.

در میان علوم نباید دوگانگی بوجود آورد. باید تصدیق کرد که حقیقت در هر حال یکی است، منتها پاره ای از حقایق بوسیله بررسی و آزمایش بدست می آید و پاره ای دیگر که مادی نیست، بوسیله وحی و فطرت و روح انسان بما می رسد و بین این دو، نباید تناقضی بوجود آید.

دانشگاه باید از نخستین سالها تا آخرین مراحل، اسلام را بمثابة يك ماده اصلی و اساسی تحصیلی، در رشته های دروس دانشجویان قرار دهد و دانشجو احساس درونی خود را، همگام با ادامه تحصیل تقویت کند و پیوسته در نظر داشته باشد که علوم الهی، يك سلسله علوم یقینی «لایتغیر» است و علوم دیگر، علمی است که دائماً در حال تحول و تکامل است، البته این امر نیازمند يك تحول بنیادی در برنامه های فرهنگی، روشها و کتابهای درسی و آموزش عالی است.

در صورت پیاده کردن این طرح، می توان علم را، بدون آنکه میراثهای گرانبهای روحی و معنوی خود را از دست بدهیم، با آسودگی خاطر فراگیریم. و هیچگونه نگرانی از نشر افکار فروید، داروین و مارکس نداشته باشیم، چرا که جوانان ما با بنیاد فکری استواری، خواهند توانست در برابر هجوم افکار چپ و راست، خود را همچنان «امت وسط» بدانند و براه و مکتب خود، همگام با علوم جدید، ادامه بدهند.

بعضی ها فکرمی کنند که ما بعنوان کشورهای در حال رشد باید یکی از دوراه حل شرقی یا غربی - سرمایه داری یا سوسیالیستی - را انتخاب کنیم و راه حل دیگری در پیش

نداریم ۱. درحالی که پس از تجربه‌های بی‌شمار، دیگر باید بر همه ثابت شده باشد که ما خود در قبال مکتب‌های شرق و غرب، دارای مکتبی هستیم که می‌تواند ما را نجات بخشد.

اگرما اسلام را بطور علمی مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که در آن اصول و قوانینی وجود دارد که بر اصول و قوانین نظام‌های مارکسیستی و کاپیتالیستی، پیشی دارد و برتر از آنهاست و حتی خواهیم دید که پاره‌ای از اصول سوسیالیسم علمی که مورد توجه جوانان است، صدها سال پیش بوسیله اسلام پیشنهاد شده است.

اسلام از روز نخست اصل مساوات در بهره‌گیری از منافع را برای عموم افراد جامعه، برسمیت شناخته است. اصل تضمین مقدار مورد نیاز برای عموم، اصل ایجاد توازن بین آزادی فرد در سود و حقوق جامعه، اصل مالکیت فردی و مالکیت عمومی، اصل دخالت دولت در اقتصاد، اصل مصادره اموال استثمارگران و احتکارچیان بمنفع عموم و مصلحت جامعه و... همه و همه از اصول ثابت و مسلم اقتصاد اسلامی است.

(بقیه در شماره آینده)

## يك خبر گویا و قابل توجه!

اگر نوشیدن مشروب در پاره‌یی از کشورها ممنوع می‌شود، میزان جنایت، چنان کاهش می‌یافت که پلیس کاری برای انجام دادن نداشت!

این نظریه را دکتر «جان بیرل» جراح پلیس استرالیا، ارائه داده است. اومی گوید «اگر نوشیدن مشروب، متوقف شود، پلیس کار کمی برای انجام دادن خواهد داشت یا اصلاح کاری نخواهد داشت. ۷۵ درصد حوادث اتومبیل، در اثر باده‌سازی به وجود می‌آید - ۵۰ درصد قتل‌ها در ایالت ویکتوریا، هنگام نزاع مستانه در خارج «بار»ها صورت می‌گیرد».

دکتر «بیرل» عقیده دارد که باده‌سازی به سبک استرالیایی، عامل سرقت اتومبیل‌ها، جرایم جنسی، بلند کردن جنس از مغازه‌ها و تقریباً تمام اعمال خشونت‌آمیز است.

دکتر «بیرل» چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «باده‌سازی» را کنار بگذارید و این جرایم متوقف خواهد شد. و در این صورت، پلیس چه کاری برای انجام دادن خواهد داشت؟ (۱)